

Examining the Duality of Law and Ethics in Children's Access to Cyberspace

Javad Alipoor¹

Hatef Pourrashidi*²

DOI:

10.30497/flj.2024.246726.2054



Abstract

The expansion of cyberspace has created serious and fundamental legal and ethical challenges regarding children's access to this phenomenon. Concerns about access to inappropriate content, children's communication with strangers, and risks of sexual and financial abuse, as well as the violation of moral values, have led parents to impose strict restrictions on children's access to cyberspace. However, these restrictions may actually violate children's rights as outlined in international law, including the Convention on the Rights of the Child and domestic legislation. This article aims to answer the question of how the duality between rights and ethics in children's access to cyberspace can be achieved through an analytical-descriptive approach and the use of documentary data collection. The findings suggest that resolving this legal and ethical dilemma can be achieved through in the context of educating children and providing opportunities for intellectual development, particularly in media literacy. By incorporating media literacy education into public school curricula from an early age, parents' concerns can be addressed while also upholding children's rights to access cyberspace. This approach can also serve as a foundation for children's intellectual growth and development.

Keywords: Children's rights, cyberspace, media literacy.

1. Assistant Prof. of Political Science, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

alipor@tabrizu.ac.ir

2. (Corresponding Author) Assistant Prof. of Communication, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

h.pourrashidi@urd.ac.ir

بررسی دوگانگی حقوق و اخلاق در دسترسی کودکان به فضای مجازی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵

جواد علی پور^۱

هاتف پوررشیدی^۲*

Doi: 10.30497/flj.2024.246726.2054

چکیده

امروزه، گسترش حضور در فضای مجازی، چالش‌های حقوقی و اخلاقی مهمی را در خصوص دسترسی کودکان به این پدیده به وجود آورده است. نگرانی والدین بابت دسترسی کودکان به محتوای نامناسب، ارتباط کودکان با افراد غیرمعمول، سوءاستفاده‌های جنسی و مالی و همچنین آسیب دیدن ارزش‌های اخلاقی باعث شده است والدین محدودیت‌هایی اساسی را در دسترسی کودکان به فضای مجازی ایجاد کنند؛ حال آنکه در واقع، این مسئله، مغایر با حقوق مصرح کودکان در حقوق بین‌الملل و از جمله کنوانسیون حقوق کودک و حقوق داخلی است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و گردآوری داده‌ها به روش اسنادی، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش بوده‌ایم که چگونه می‌توان دوگانگی حقوق و اخلاق در دسترسی کودکان به فضای مجازی را مرتفع کرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد حل این دوگانگی حقوقی و اخلاقی در بستر آموزش دهی به کودکان و فراهم کردن زمینه‌های توسعه فکری و مخصوصاً آموزش دادن سواد رسانه‌ای به آنان امکان‌پذیر است. آموزش دادن سواد رسانه‌ای به صورت عمومی به کودکان از سنین کم در مدارس، ضمن برطرف کردن نگرانی والدین، یکی از عوامل محافظت از حقوق کودکان در دسترسی به فضای مجازی است که در عین حال، زمینه را برای رشد و توسعه فکری آنان فراهم می‌کند.

کلید واژه‌ها: حقوق کودک، فضای مجازی، سواد رسانه‌ای.

alipor@tabrizu.ac.ir

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

h.pourrashidi@urd.ac.ir

۲. نویسنده مسئول) استادیار گروه ارتباطات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

مقدمه

توسعه بهره‌گیری از فضای مجازی و سایبری در تمام عرصه‌های زندگی بشری، نیازمند توجه به قوانینی خاص است که عمدتاً پس از گسترش یافتن به‌کارگیری این ابزارها در جامعه مدون می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد. در این حوزه، بهره‌گیری از ابزارهای فضای مجازی در خصوص موضوعات مرتبط با کودکان در بحث اطلاع‌رسانی، آموزش و تفریح، نیازمند قوانین شدیدتر و سخت‌گیرانه‌تری نسبت به قوانین مربوط به بزرگسالان است؛ زیرا کودکان هنگام استفاده از این ابزارها اساساً آگاهی لازم را ندارند و با حقوق خود در عرصه‌های مختلف آشنا نیستند. این مسئله، موجب فراهم آمدن زمینه برای سوءاستفاده از آنان می‌شود و ممکن است این قشر آسیب‌پذیر را با مخاطرات اساسی مواجه کند.

در سال‌های اخیر، موارد مختلفی در خصوص سوءاستفاده از کودکان در فضای مجازی گزارش شده که تحریک و ترغیب دولت‌ها و حاکمیت‌ها در عرصه‌های ملی و بین‌المللی برای مقابله با این معضل را در پی داشته است. «مسئله کودک‌آزاری آنلاین از تهدیدهای فضای سایبری برای کودکان است که خود شامل طیفی از آزارها مانند قلدری سایبری تا سوءاستفاده‌های جنسی می‌شود» (غنی‌زاده بافقی و حسین‌زاده سرشکی، ۱۴۰۲، ص. ۱۹۸)؛ علاوه بر آن، هرزه‌نگاری و اغفال کودکان، بهره‌کشی جنسی از آن‌ها، فراهم کردن زمینه قاچاق آنان، قاچاق اعضای بدنشان، اخاذی از آن‌ها، فیشینگ و پورنوگرافی کودکان از جمله جرم‌هایی هستند که در فضای مجازی، آن‌ها را با مخاطرات فراوان مواجه می‌کنند. شواهد، حاکی از آن است که امروزه، در مقایسه با گذشته، کودکان در سنین پایین‌تری از اینترنت استفاده می‌کنند و بنابراین، دیجیتالی شدن دنیای زندگی‌شان نه تنها بر نحوه اعمال حقوق آنان اثر می‌گذارد؛ بلکه سؤال‌هایی را نیز در خصوص چگونگی تحقق یافتن حقوق آن‌ها مطرح می‌کند (European Commission, 2021, p. 3).

حضور و نفوذ اینترنت و فضای مجازی در زندگی امروزی به قدری بدیهی و روشن است که نمی‌توان آن را کتمان کرد و به آسانی از کنارش گذشت. براساس آمار بین‌المللی، در سال‌های اخیر، استفاده کردن کودکان از اینترنت به‌میزانی قابل توجه رشد کرده؛ به گونه‌ای که طی سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲، هفده درصد افزایش یافته است. در این حوزه، در استفاده از شبکه‌های اجتماعی

نیز رشدی چشمگیر دیده می‌شود (Moyer, 2022)؛ از این روی می‌توان گفت در حال حاضر، اینترنت، بخشی مهم از زندگی کودکان است که بر تجربیات، ارتباطات و فرایندهای یادگیری آن‌ها اثر می‌گذارد (Shukla, Waghmode and Bhosale, 2024). این مسئله خواه‌ناخواه بر زندگی کودکان نیز بسیار مؤثر واقع شده و بعضاً چالش‌هایی را برایشان پدید آورده است. پاندمی کرونا در سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ که عملاً سبک زندگی انسان‌ها را تغییر داد و در نتیجه آن، نقش و جایگاه فضای مجازی، بیش از گذشته نمایان شد، کودکان را بیشتر با فضای مجازی درگیر کرد و بر اذهانشان اثر گذاشت. توسعه آموزش‌های مدارس در فضای مجازی در ایام پاندمی کرونا نشان داد که به راحتی می‌توان کودکان را اسیر و آلوده این فضا کرد و آنان را به هر سمت و سویی سوق داد. انتشار کلیپ‌های مختلف از کودکان در حین تعلیم دیدن در فضای مجازی از سوی معلمان، والدین و حتی افراد نزدیک به آنان، شاهدهی گویا بر این مقوله است که می‌توان به بهانه مزاح و خنده، حقوق کودکان را تزییع و از ناآگاهی آنان سوءاستفاده کرد. این مسئله را می‌توان در سوءاستفاده‌های جنسی و بهره‌کشی از کودکان در حین آموزش‌های مجازی نیز مشاهده کرد که نمونه‌های متعددی از آن در فضای مجازی منتشر شده است. بازی‌های دیجیتال نیز دیگر موضوع مورد مناقشه در این حوزه است که به‌میزانی چشمگیر مورد توجه واقع شده است. پیشتر، کنترل‌کنندگان اینترنت، تنها بر کودک‌آزاری یا تماس غیرقانونی مجرمان جنسی با کودکان، متمرکز بودند؛ در حالی که این مسائل به‌رغم اهمیتشان تنها عوامل نقض حقوق کودکان نیستند. در واقع، در چنین نگرش محدودی کودکان صرفاً قربانیانی آسیب‌پذیرند که حقوقشان در دسترسی به اطلاعات، حریم خصوصی و مشارکت، نادیده گرفته می‌شود (UNICEF, 2016, p. 12).

ایجاد محدودیت برای کودکان در استفاده از فضای مجازی در راستای منافع آنان و مقابله با سوءاستفاده از آن‌ها صورت می‌گیرد؛ اما ناگفته پیداست که این عمل، سبب از بین رفتن زمینه‌های مشارکت کودکان در فضای مجازی و از دست رفتن حقوق آنان در دسترسی به اطلاعات می‌شود؛ از این روی، ایجاد محدودیت‌های نابجا نه تنها امنیت را برای کودکان تأمین نمی‌کند؛ بلکه امنیت روانی آنان را به خطر می‌اندازد. طراحی سؤالاتی از سوی کودکان، مانند اینکه چرا

به اطلاعات موردنیازشان دسترسی ندارند و چگونه می‌توانند در فضای مجازی مشارکت کنند، موجب بروز نگرانی‌ها و اختلالات روانی در آنان می‌شود؛ لذا تلاش‌های صورت گرفته برای استفاده صحیح کودکان از فضای مجازی باید به بهبود بهره‌گیری آنان از این امکانات بینجامد. به نظر می‌رسد بهترین راهکار در این مسیر، استفاده از سواد رسانه‌ای است تا از این طریق، خود کودک درخصوص استفاده از فضای مجازی تصمیم بگیرد و شناختی نسبتاً درست و کامل از محتوای عرضه شده در این بستر داشته باشد. در این مقاله با استفاده از روش اسنادی و تحلیلی- توصیفی تلاش شده است ضمن تأکید بر رعایت حقوق کودکان، به این پرسش پاسخ داده شود که چگونه می‌توان حقوق کودک را در بستر سواد رسانه‌ای تأمین کرد و اصولاً رعایت حقوق کودک و ارتقای سواد رسانه‌ای با یکدیگر چه نسبتی دارند.

۱. حقوق کودک در فضای مجازی

این مبحث از موضوعات جدیدی است که پس از توسعه فضای سایبری و اینترنت در جهان مطرح شد. استفاده کردن کودکان از ابزارهای مختلف فضای مجازی و بروز برخی مشکلات در این مسیر، دولت‌ها را به تبیین و تشریح حقوق آنان در فضای مجازی ترغیب کرده است؛ زیرا هرگونه اهمال در این کار، موجب بروز مشکلات و مسائل عدیده می‌شود. درخصوص حقوق کودک در عصر حاضر، اقدامات مؤثری صورت گرفته که مهم‌ترین آن‌ها تدوین «کنوانسیون ملل متحد درباره حقوق کودک¹» است؛ البته در «میثاق جهانی حقوق بشر» نیز به موارد متعددی در این زمینه پرداخته شده؛ اما این کنوانسیون به صورت واضح و روشن، حقوق کودکان را به رسمیت شناخته است.

در این کنوانسیون، تمام مسائل مربوط به حقوق کودک، تقریباً به صورت شفاف دیده شده‌اند؛ اما همان‌گونه که گفتیم، این حقوق از نوع فراگیرند؛ نه جامع؛ بدان معنا که در تمام موقعیت‌ها و مکان‌ها همچون مدارس، باشگاه‌ها، مراکز اجتماعی و حتی فضای مجازی می‌توان آن‌ها را اعمال کرد؛ ولی همه نیازهای کودک در این عرصه‌ها را شامل نمی‌شوند. فضای مجازی از جمله

1. United Nations Convention on the Rights of the Child (UNCRC)

مواردی است که می‌توان این حقوق را مشتمل بر آن دانست؛ اما به دلیل تمایز ماهیت این بستر با دنیای واقعی و ملموس باید رویکردهای دیگری را نیز بدان افزود و از منظری جدیدتر به آن نگریست.

در این زمینه، سؤالی بدین شرح مطرح می‌شود که اساساً چرا باید حقوق کودکان در دنیای دیجیتال مورد توجه ویژه قرار گیرد. در پاسخ به این سؤال، استدلال‌هایی واضح بدین شرح بیان شده است: «اول، اینکه کودکان آسیب‌پذیر هستند و دوم، اینکه کودکان با بیشترین خطر در این زمینه مواجه‌اند» (Livingstone, 2021, p. 3). اگرچه دیگر گروه‌ها مانند زنان و اقلیت‌های قومی، جنسی و مذهبی نیز ممکن است از اینترنت و فضای مجازی آسیب ببینند، موضوع کودکان، کاملاً متفاوت است؛ چون آن‌ها از سویی دارای درک و توان کم در تحلیل و ارزیابی مسائل گوناگون هستند و از سوی دیگر، آینده در دست‌انشان است و آینده دیجیتال و فضای مجازی را آنان رقم می‌زنند؛ از این روی، با توجه به حضور گسترده کودکان در فضای مجازی باید تحلیل‌هایی متناسب با وضعیت و توانایی‌هایشان به دست داده شود. از این منظر، مواجهه کودکان با فضای مجازی را به این اشکال می‌توان سنجید و متناسب با آن‌ها مقررات و قوانین جدیدی وضع کرد.

ممکن است کودک با دریافت محتوای نامناسب، برقراری تماس یا رفتار نادرست، تحت تأثیر فضای مجازی قرار گیرد. دریافت محتوای نامناسب یا مضر ممکن است به طرق مختلف اتفاق بیفتد؛ مثلاً هنگام بازدید کردن کودکان از وب‌سایت‌ها، سازمان‌های تجاری توسط کوکی‌ها یا دیگر روش‌های تبلیغاتی می‌توانند تبلیغات، هرزنامه‌ها و حمایت‌های مالی را برای آنان ارسال کنند و همچنین اطلاعات شخصی‌شان را از آن‌ها بخواهند؛ به علاوه، ممکن است کودکان محتوای خشونت‌آمیز یا نفرت‌انگیز را به صورت آنلاین دریافت کنند و در نتیجه، نگرش پرخاشگرانه، ناخواسته به آن‌ها تلقین شود. محتوایی که کودکان به صورت آنلاین دریافت می‌کنند نیز ممکن است این پتانسیل را داشته باشد که نظام ارزشی آنان را از طریق تشویق کردنشان به ارزش‌هایی مانند تعصب و نژادپرستی متزلزل کند (Sahoo, 2016, p. 8). آنچه ذکر شد،

برخی مواردی بود که کودکان در فضای مجازی با آن‌ها مواجه می‌شوند و باید به‌نحوی با مخاطرات ناشی از آن‌ها مقابله کرد.

راهبردهای حقوق کودک در فضای مجازی براساس اصول چهارگانه پیمان‌نامه حقوق کودک، یعنی اصل عدم تبعیض، اصل رعایت مصالح عالیۀ کودکان، اصل حق بر حیات و رشد و بقا، و اصل مشارکت کودکان اشعار می‌دارد که هر اقدامی در فضای مجازی و دیجیتال باید با رعایت این اصول صورت گیرد. در این راستا دولت‌ها باید امکانات لازم برای دسترسی رایگان و امن کودکان به محیط دیجیتال در مکان‌های عمومی اختصاص یافته به این کار را فراهم آورند و سیاست‌گذاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که امکان دسترسی ارزان و برابر، و استفاده معقول همه کودکان از محیط دیجیتال در بسترهای آموزشی و فضای خانه فراهم شود؛ همچنین دولت‌ها باید تضمین کنند که در تقنین، طراحی، مدیریت و عرضه محیط دیجیتال و استفاده از آن، مصالح عالیۀ کودکان را نخستین اولویت خود قرار دهند. براساس مفاد کنوانسیون‌های مرتبط با این حوزه، دولت‌ها موظف‌اند تمهیدات لازم را فراهم آورند و از حق کودکان بر حیات، رشد و بقا در هر زمان و مکان به‌طور عام و در محیط دیجیتال به‌صورت خاص حمایت کنند. درکنار تمام این‌ها اصولی نظیر شنیده‌شدن و مشارکت کودکان در فضای مجازی (مرتبط با ماده دوازده از پیمان‌نامه حقوق کودک)، حق دسترسی به آزادی بیان و اطلاعات و آزادی ابراز عقیده طبق ماده هفده از کنوانسیون حقوق کودک، حفظ حریم خصوصی کودک براساس ماده شانزده از پیمان‌نامه و حمایت از کودکان در برابر خشونت فضای مجازی باید موردنظر دولت‌ها قرار گیرد (صفاری‌نیا، ۱۴۰۱). هرچند روح این اصول به‌نوعی متوازن‌کننده و تقویت‌کننده یکدیگر است، اصل عدم تبعیض، و اصل حق حیات و رشد و بقا و حتی مشارکت با اصل رعایت مصالح عالیۀ کودکان کنترل می‌شود؛ درعین حال، با توجه به وضعیت خاص کودکان، به‌رغم تأکید کنوانسیون‌های حقوقی باید برخی ملاحظات مثل آزادی بیان کودکان و حق دسترسی آزاد آنان به اطلاعات با تمرکز بر اصل رعایت مصالح عالیۀ آن‌ها در تنقیح قوانین و مقررات تحدید شود.

دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱ با تصویب مجلس شورای اسلامی به

عضویت کنوانسیون حقوق کودک درآمد. درکنار رعایت الزام‌های این کنوانسیون، در جمهوری اسلامی ایران برای تحقق یافتن حقوق کودک در فضای مجازی، قوانین و مقرراتی همچون مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک، سند ملی حقوق کودک و نوجوان، سند سیاست‌ها و برنامه‌های کلان و مدیریتی کشور درحوزه کودک و نوجوان، و دیگر اسناد و قوانین مربوط به فعالیت در فضای مجازی وجود دارد؛ همچنین در ماده ۶۹ از برنامه ششم توسعه بر هوشمندسازی مدارس، امکان دسترسی الکترونیک (سخت‌افزاری- نرم‌افزاری و محتوایی) به کتب درسی و کمک‌آموزشی، رفع اشکال، آزمون و مشاوره تحصیلی، بازی‌های رایانه‌ای آموزشی، استعدادسنجی، آموزش مهارت‌های حرفه‌ای، و مهارت‌های فنی و اجتماعی به‌صورت رایگان برای کلیه دانش‌آموزان شهرهایی با جمعیت کمتر از بیست‌هزار نفر و روستاها و حاشیه شهرهای بزرگ تأکید شده است (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶)؛ علاوه بر آن، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در سال ۱۳۹۶ به تدوین سندی تحت عنوان سند حمایتی و برنامه اقدام توسعه خدمات فضای مجازی کودک و نوجوان اقدام کرد. در این سند، مأموریت وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات درحوزه فضای مجازی کودک بدین صورت تعریف شده است:

آماده‌سازی و ارائه زیرساخت ارتباطی و فناوری اطلاعاتی، محتوایی و مقرراتی مناسب جهت دسترسی کودکان به خدمات و محتوای مناسب به‌منظور توسعه زیست‌بوم فضای مجازی این دسته از کاربران و کمک به رفع موانع توسعه کسب‌وکار و کاهش مخاطرات سرمایه‌گذاری در این حوزه (عابدی و ساعی، ۱۴۰۱، ص. ۱۰۰).

از دیگر طرح‌ها، قوانین و اسناد انتشاریافته در این زمینه می‌توان به طرح سامان‌دهی محتوای فضای مجازی: سالم، مفید، ایمن (سما) در سال ۱۳۹۳ با هدف محافظت از کودکان دربرابر محتواها و خدمات مضر، ناسالم و غیرایمن، و سند راهبردی صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی با موضوع ایجاد فضای مجازی متناسب با نیازها و اقتضاهای سنی کودکان و نوجوانان از طریق کاهش‌دهی مخاطرات و فراهم‌کردن محتوا و خدمات مناسب، و نیز مصوبه ضوابط صیانت از حقوق کودکان در خدمات تلفن همراه باند پهن کمیسیون تنظیم مقررات

ارتباطات در سال ۱۳۹۳ اشاره کرد (عابدی و ساعی، ۱۴۰۱، ص. ۱۰۲). هدف از تصویب تمام این قوانین، آن است که از حقوق متعدد کودکان در فضای مجازی صیانت شود و علاوه بر آن، با جرایم متعددی که علیه کودکان صورت می‌گیرد، مقابله شود.

به‌رغم تصویب قوانین و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی در این زمینه، احقاق حقوق کودکان در فضای مجازی با چالش‌های اساسی مواجه است؛ اما علت این مسئله صرفاً خلأ قانونی موجود در این حوزه نیست. به‌نظر می‌رسد بخش عمده این چالش، ناشی از عدم تمکین در برابر قانون باشد که موجب شده است این قوانین در حد مصوبات باقی بمانند و قابلیت اجرا شدن در جامعه را نداشته باشند. در واقع، این مسئله، بحث اصلی مقاله است و خواهیم کوشید راهکاری اساسی برای حل مشکل، فراتر از الزام‌های قانونی فعلی به‌دست دهیم.

۲. سواد رسانه‌ای

سواد رسانه‌ای به‌عنوان یکی از موضوعات و مفاهیم اساسی در جامعه اطلاعاتی امروز، در نحوه بهره‌گیری از رسانه‌ها جایگاهی ویژه دارد. نهادها و سازمان‌های مختلف بین‌المللی ضمن تأکید بر این موضوع، آموزش دیدن آن را نیز برای تمام سنین، الزامی دانسته‌اند تا از طریق آن بتوان از مخاطرات حاصل از دریافت و ارسال پیام‌های نامناسب، و اخبار دروغ و جعلی جلوگیری کرد. با توجه به تعاملی بودن ابزارهای رسانه‌ای مبتنی بر وب و اینترنت و نیز گسترش وب ۲، این نیاز بیش از گذشته احساس می‌شود که با رویکردهای منفی موجود در فضای مجازی، حداقل در موضوع دریافت پیام‌های نامناسب، دروغ، شبهه‌افکن و حتی ناهنجار مقابله شود. براساس تعریف کمیسیون اروپا سواد رسانه‌ای، انواع مهارت‌ها و توانایی‌های مرتبط با رسانه، تصاویر، زبان و پیام‌ها را شامل می‌شود؛ درعین حال، طبق همین تعریف، «سواد رسانه‌ای به‌عنوان توانایی دسترسی، تجزیه و تحلیل و ارزیابی قدرت تصاویر، صداها و پیام‌هایی است که اکنون به‌صورت روزانه با آن‌ها روبه‌رو هستیم و بخش مهمی از فرهنگ معاصر ما هستند»؛ درضمن، برقراری ارتباط شایسته با استفاده از رسانه‌های موجود به‌صورت شخصی نیز به این مقوله تسری می‌یابد (Tomero, 2020, p. 105). بر این اساس می‌توان ادعا کرد مؤلفه اولیه در مفهوم سواد رسانه‌ای به موضوع توانایی دریافت پیام‌های ارتباطی از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی و اینترنت در قالب متن، صدا، تصویر

و مولتی‌مدیا اشاره می‌کند؛ اما مؤلفه دوم و مهم‌تر به نحوه به‌کارگیری این پیام‌ها و چگونگی مواجهه با آن‌ها می‌پردازد؛ به عبارت دیگر، این مؤلفه «به‌عنوان توانایی درک و استفاده از محیط‌هایی است که در آن، اطلاعات تولید، ذخیره و منتقل می‌شود» (Yanarates, 2020, p. 151). صرف‌نظر از اینکه بهره‌گیری از نخستین مؤلفه سواد رسانه‌ای، نیازمند آموزش‌های ویژه است، مؤلفه دوم، هدف غایی بهره‌گیری از سواد رسانه‌ای به‌شمار می‌آید. هدف سواد رسانه‌ای این است که به مردم کمک کند تا به‌جای آنکه مصرف‌کنندگان فرهیخته رسانه‌ها باشند، به شهروندانی فرهیخته در جامعه اطلاعاتی تبدیل شوند که انواع رسانه‌ها قلب تپنده آن است (حسینی پاکدهی و شبیری، ۱۳۹۶، ص. ۳۳). در واقع، سواد رسانه‌ای در پی آن است که شهروندانی را پرورش دهد که بتوانند چگونگی مواجهه با پیام‌ها را دریابند و پیام‌ها را تجزیه و تحلیل کنند. سطح این تجزیه و تحلیل، منوط به میزان دانش و توانایی افراد است؛ اما می‌توان با عرضه آموزش‌های لازم، سطحی قابل قبول از دانش نحوه مواجهه با این مقوله را به آنان آموزش داد؛ درضمن، حق بر آموزش کودک، از حقوق فردی وی و از جمله حقوق اجتماعی برای داشتن جامعه سالم است (عباسی کلیمانی و اکبری، ۱۴۰۰). در فضای مجازی نیز این مسئله به‌صورتی پررنگ‌تر نمود یافته و توجه به آن، نیازمند مساعی اساسی است. در گذشته می‌شد از دریافت پیام از برخی رسانه‌ها مانند تلویزیون و رادیو در خانه ممانعت کرد؛ اما امروزه، در هر زمان و مکان، دسترسی به ابزارهای رسانه‌های دیجیتال و مبتنی بر اینترنت برای کودکان، میسر است و نمی‌توان با دریافت پیام از این طریق مقابله کرد. فراهم‌شدن امکان دسترسی گسترده کودکان به ابزارهای رسانه‌ای، نگرانی‌هایی را به‌دنیال داشته و برای حل این مشکل، آموزش درست و حرفه‌ای سواد رسانه‌ای به کودکان، مدنظر قرار گرفته است تا آنان بتوانند خود را در برابر دریافت پیام‌های نادرست و مخرب بیمه کنند. در حال حاضر نمی‌توان ادعا کرد این مسئله به‌صورت کامل محقق می‌شود؛ اما تحقیقات متعدد نشان داده است ارتقای سطوح مختلف آموزش سواد رسانه‌ای، نتایج بهتری را در پی داشته است. نتایج مثبت این رویکرد، تنها درخصوص کودکان مشاهده نمی‌شود؛ بلکه درمیان تمام آحاد

جامعه نمود می‌یابد. یکی از نتایج اصلی آموزش‌دهی سواد رسانه‌ای به کاربران وسایل ارتباط جمعی و به‌ویژه اینترنت و فضای مجازی، کاهش یافتن هزینه‌های ناشی از فیلترینگ و انسداد محتواهای نامناسب در فضای مجازی است. در این زمینه می‌توان ادعا کرد:

سواد رسانه‌ای می‌تواند پادزهری باشد در مقابل هژمونی رسانه‌ای و شهروندان را در مواجهه با محتوای پیام‌های رسانه‌ای واکسینه نماید؛ همچنین آموزش سواد رسانه‌ای به‌عنوان مهارتی جهت مقابله با جنگ رسانه‌ای است که منجر به افزایش ظرفیت تحلیل شهروندان در مواجهه با رسانه‌ها می‌گردد و باعث می‌شود تا آنان به‌جای آنکه آن‌ها تسلیم محتوای پیام‌های رسانه‌ای شوند و منفعلانه، هرآنچه دریافت می‌کنند را بپذیرند، تلاش نمایند تا به‌عنوان یک مخاطب فعال، معنای نهفته در پیام‌ها را درک و به رمزگشایی و ارزیابی پیام‌ها پردازند و برخوردی فعالانه با پیام‌های رسانه‌ای داشته باشند (نصیری، بخشی و هاشمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۰).

به بیان دیگر، سواد رسانه‌ای به مخاطبان کمک می‌کند تا فعال و دارای بینش نسبی به پیام‌های مخابره و دریافت‌شده باشند، بتوانند اخبار و اطلاعات گسترده در فضای مجازی امروز را تحلیل و ارزیابی کنند و به‌راحتی تحت تأثیر القاها، اخبار و اطلاعات نادرست قرار نگیرند؛ به دیگر سخن، نتایج آموزش سواد رسانه‌ای بیش‌از آنکه مربوط به موضوعات رسانه و حوزه ارتباطات باشد، متوجه قلمرو اجتماعی و فرهنگی، و تربیت شهروندان آگاه و مسلط به امور است. بر این اساس می‌توان تأکید کرد:

سواد رسانه‌ای به‌دنبال توانمندسازی شهروندان و تبدیل رابطه منفعلانه آن‌ها با رسانه‌ها به تعامل فعال و انتقادی است که می‌تواند سنت‌ها و ساختارهای فرهنگ رسانه‌ای تجاری و خصوصی‌شده را به چالش بکشد و راه‌های جدیدی برای گفتار و گفت‌وگو شهروندان بیابد (Malik, 2008, p. 6).

بنابراین، سواد رسانه‌ای به فرایند درک و به‌کارگیری رسانه‌های جمعی مربوط می‌شود و در این مسیر به مردم کمک می‌کند تا درکی آگاهانه و انتقادی از ماهیت رسانه‌های جمعی، تکنیک‌های استفاده‌شده توسط آن‌ها و تأثیر این تکنیک‌ها به‌دست آورند. به‌صورت خاص‌تر، هدف آموزش

سواد رسانه‌ای این نیست که از افراد در برابر نفوذ رسانه‌ها محافظت کند و در نتیجه، آن‌ها را به سمت مسائل بهتر سوق دهد؛ بلکه به آن‌ها کمک می‌کند تا تصمیمات آگاهانه بگیرند.

۳. ارتقای سواد رسانه‌ای، گامی برای تحقق حقوق کودک در فضای مجازی

گسترش فناوری‌های ارتباطی باوجود معایب آن، نتایجی قابل توجه درحوزه تحقق حقوق کودکان دارد. علت این مسئله، تأکید بر جبر فناوری و شیفتگی صرف در برابر ظهور انواع فناوری‌های ارتباطی و به‌کارگیری آن‌ها نیست؛ بلکه در راستای دستیابی به اهداف واقعی استفاده از رسانه و فناوری‌های ارتباطی مطرح شده است. لاسول^۱ وظایف وسایل ارتباط جمعی را در قالب سه حوزه، شامل انتقال میراث فرهنگی یا آموزش، ایجاد همبستگی اجتماعی و نظارت بر محیط دسته‌بندی کرد و بعدها کارکرد تفریحی و سرگرمی نیز به این وظایف افزوده شد. این کارکردها در رسانه‌های جدید و مبتنی بر اینترنت و فضای مجازی نیز حاکم‌اند (Lasswell, 1948)؛ از این روی نباید صرفاً بر تأثیر منفی فضای مجازی بر کودکان تأکید کرد. به‌رغم آثار منفی فضای مجازی بر کودکان که در بخش‌های قبل، آن‌ها را برشمردیم، بهره‌گیری از این بستر، اقدامی در راستای احقاق حقوق کودکان است و در جامعه اطلاعاتی امروز نمی‌توان به راحتی با آن مقابله کرد. براساس تعریف یونیسف، کودک از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق، آزادی جست‌وجو، دریافت و انتشار اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، به صورت شفاهی، کتبی یا چاپی و هنری و یا از طریق هر رسانه‌ای طبق انتخاب کودک را شامل می‌شود؛ از این روی تأکید می‌کنیم که رسانه‌ها و فضای مجازی می‌توانند یاری‌رسان کودک در ارتقای سطح دانش، آگاهی و درک جهان باشند. در شکل ۱، انواع کمک‌های فناوری به کودک را مشاهده می‌کنیم:

1. Lasswell



شکل ۱. کمک‌های فناوری به کودکان

موارد ذکر شده، نشان‌دهنده توانایی فناوری‌های رسانه‌ای نوین و فضای مجازی در برآوردن خواسته‌ها و نیازهای کودکان در تمام سطوح سنی هستند. اگرچه همه این موارد را به افراد بالغ نیز می‌توان تسری داد، نکته مهم، نحوه استفاده کردن کودکان از این ابزارهاست. در مجموع می‌توان کاربردی مطلوب را از این موارد انتظار داشت؛ ولی نگرش درست به این مسئله، نیازمند صورت‌گرفتن آموزش‌های لازم و در یک کلام، سواد رسانه‌ای مؤثر است. بدون داشتن چنین آگاهی و دانشی تمام این موارد، قابلیت تبدیل شدن به مضرات فضای مجازی و فناوری‌های نوین رسانه‌ای را خواهند داشت که کودکان را در برابر این بستر و فناوری‌ها به افرادی بی‌دفاع تبدیل و به‌عنوان هدفی قابل دسترس تعریف می‌کنند. براساس اعلامیه سال ۱۹۹۹ کنفرانس وین یونسکو: آموزش سواد رسانه‌ای در بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای و فضای مجازی، مردم را قادر می‌سازد تا درک درستی از رسانه‌های ارتباطی مورد استفاده در جامعه خود و نحوه عملکرد آن‌ها به‌دست آورند و در استفاده از این رسانه‌ها برای برقراری ارتباط

با دیگران مهارت کسب کنند، و تضمین می‌کند که مردم یاد بگیرند که چگونه فکر، تحلیل و نقد کنند و متون رسانه‌ای تولید نمایند.

درضمن، افراد را در شناسایی منابع و متون رسانه‌ای متناسب با علایق سیاسی، اجتماعی، تجاری یا فرهنگی و زمینه‌های دلخواه و از همه مهم‌تر، توان تفسیر پیام‌ها و ارزش‌های عرضه‌شده از سوی رسانه‌ها توانمند می‌کند (UNESCO, 1999).

براساس مطالعه مارش^۱ (2011)، چگونگی استفاده‌کردن کودکان از دنیای مجازی به شیوه‌های سوادآموزی برای دستیابی به احساس انسجام و هدف، وابسته است؛ از این روی، شیوه‌های سوادآموزی درحوزه رسانه به کودکان هنگام استفاده از دنیای مجازی به ایجاد و حفظ نظم اجتماعی کمک می‌کند؛ زیرا سواد رسانه‌ای در فضای مجازی برای عرضه واکنش‌های قابل پیش‌بینی، قابل اعتماد و خوانا به‌کار گرفته می‌شود (Misztal, 2001, p. 31). سواد رسانه‌ای بر کمک به انسجام اجتماعی نیز اثر می‌گذارد و این مسئله به معنای واکنش درست و منطقی کودک در برابر مباحث مطرح در فضای مجازی است. از سوی دیگر، آموزش سواد رسانه‌ای به کودک کمک می‌کند تا درباره مکان و زمان حضور در فضای مجازی و شیوه‌های ارتباطی خود تصمیم درست بگیرد. در تحقیقی مشخص شد سواد رسانه‌ای کودکان در استفاده از فضای مجازی و دیگر ابزارهای رسانه‌ای به آنان کمک می‌کند تا بعدها بتوانند مصرف‌کنندگان بهتر و جامعه‌پذیرتری باشند و پیشرفت‌های مثبت دیگری را نیز برای خود رقم بزنند؛ به‌علاوه، این مسئله به والدین کمک می‌کند تا فرزندانشان را با رفتار و نگرش مثبت در سنین پایین‌تر پرورش دهند (Jusoff and Sahimi, 2009, p. 156)؛ اما نکته مهم، توجه به سن کودکان در آموزش دیدن سواد رسانه‌ای است. معمولاً کودکان زیر پنج سال، توانایی لازم برای درک درست سواد رسانه‌ای به‌منظور بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای و فضای مجازی را ندارند و به همین سبب، والدین باید این مسئله را درخصوص آنان مدیریت کنند. دیگر نکته مهم در این مسیر، استفاده از توان معلمان در آموزش دهی سواد رسانه‌ای و فضای مجازی به کودکان در دوران دبستان

1. Marsh

است که نتایج مطلوب را برای آنان در آینده دارد (Monika and Wioletta, 2017, p. 135). با این تفاسیر، هرچقدر سواد کودکان در استفاده از فضای مجازی و رسانه‌ای، بیشتر باشد و آنان دانش کافی برای بهره‌گیری از فضای مجازی داشته باشند، حقوقشان نیز بیشتر رعایت می‌شود؛ به دیگر سخن، کودکان می‌توانند از طریق آموزش دیدن سواد رسانه‌ای از حقوق خود، بهتر و بیشتر صیانت کنند و درعین تحقیق یافتن اهداف کنواسیون حقوق کودک و قوانین و مقررات داخلی درخصوص نگرانی‌های مرتبط با مخرب بودن فضای مجازی برای کودکان از یک طرف و حفظ حقوق آنان از طرف دیگر، در دسترسی به فضای مجازی و ابزارهای ارتباطی، در معرض اجحاف و سوءاستفاده قرار نگیرند. برخوردار نبودن کودکان از سواد رسانه‌ای به منظور بهره‌گیری از فضای مجازی، ضمن ایجاد مخاطرات امنیتی و روانی مهم نظیر سوءاستفاده‌های جنسی و برخی امور غیراخلاقی دیگر برای آنان، موجب بروز مشکلات اساسی برای خانواده‌ها و به‌ویژه والدین می‌شود.

۴. رویکردهای اخلاقی به استفاده کردن کودکان از فضای مجازی

در عصر دیجیتال، کودکان به‌میزانی فزاینده به استفاده از فضای مجازی روی آورده‌اند و بنابراین، توجه به مفاهیم و رویکردهای اخلاقی در تعامل آنان با فضای مجازی اهمیت فراوان دارد؛ چون پیامدهای اخلاقی استفاده کردن کودکان از فضای مجازی به دغدغه‌ای مهم تبدیل شده است. در پی پیشرفت فناوری، کودکان به‌صورتی فزاینده در معرض انبوهی از پلتفرم‌ها و برنامه‌های کاربردی آنلاین قرار می‌گیرند که بررسی کامل ملاحظات اخلاقی درخصوص تجربیات دیجیتالی این پلتفرم‌ها و برنامه‌ها ضرورت دارد. بسیاری از اندیشمندان معتقدند استفاده کردن کودکان از فضای مجازی، باعث ایجاد برخی نگرانی‌های اخلاقی می‌شود (Drenten, 2018, p. 215). این نگرانی‌ها شامل احتمال بهره‌کشی از کودکان و نقض حریم خصوصی آنان و همچنین اثرپذیرفتن رشد شناختی و عاطفی‌شان از محیط‌های مجازی است (Maloney, Freeman and Robb, 2021, p. 2).

یکی از رویکردهای اخلاقی نیازمند به توجه، احترام‌گزاردن به استقلال کودکان در فعالیت‌های

آنلاین است. در این رویکرد، چنین استدلال می‌شود که باید به کودکان، آزادی اکتشاف و بیان دیجیتال خود در محدوده راهنمایی و محتوای مناسب سَنَشان داده شود. احترام‌گزاردن به خودمختاری بدان معناست که به کودکان اجازه دهیم تجربیات آنلاین خود را به صورت مستقل شکل دهند و اطمینان یابیم که آن‌ها از آزادی لازم برای حرکت و تعامل با دنیای مجازی، مطابق با مهارت‌ها و علایق خویش برخوردارند؛ با وجود آن، متعادل کردن استقلال با اطمینان از ایمنی و رفاه کودک در برابر خطرات احتمالی، ضروری است. برای تحقق یافتن این مسئله، کودکان باید به عنوان شرکت‌کنندگان فعال در دنیای دیجیتال شناسایی و در فرایندهای تصمیم‌گیری سهم شوند که بر تجربیات آنلاین آن‌ها اثر می‌گذارد. این کار را از طریق درگیرکردن کودکان در بحث‌های مربوط به تجربیات آنلاین آن‌ها، جست‌وجوی نظراتشان درباره طراحی پلتفرم و تعدیل محتوا، و توانمندسازی آنان برای گزارش‌دهی هرگونه رفتار یا محتوای نامناسب مشاهده‌شده می‌توان انجام داد. به طور کلی، ملاحظات اخلاقی در استفاده‌کردن کودکان از فضای مجازی، مستلزم ایجاد تعادل بین محافظت از آنان در برابر آسیب‌ها و فراهم‌آوردن فرصت‌هایی برای آن‌ها به منظور نشان‌دادن خلاقیت خویش و بیان دیدگاه‌ها و نظراتشان است (Dowthwaite et al., 2020, p. 2).

از سوی دیگر، در بحث امنیت اخلاقی کودکان در استفاده از فضای مجازی، از مسائلی مانند جمع‌آوری داده‌ها، تبلیغات هدفمند و پتانسیل شکارچیان آنلاین نباید غافل شد. یکی از ملاحظات اخلاقی مهم در استفاده‌کردن کودکان از فضای مجازی، احتمال اعتیاد آنان به ابزارها و محتواهای آنلاین و بیش‌ازحد استفاده‌کردنشان از این ابزارهاست که به‌نوبه خود، نگرانی درخصوص تأثیر این فضا بر سلامت جسمانی، رشد اجتماعی و عملکرد تحصیلی آن‌ها را افزایش می‌دهد. برای رفع این نگرانی‌های اخلاقی، محققان و توسعه‌دهندگان باید رفاه و ایمنی کودکان در فضای مجازی را در اولویت قرار دهند. این مسئله را می‌توان از طریق اجرای سیاست‌های سخت‌گیرانه حفظ حریم خصوصی، کسب رضایت آگاهانه از فرزندان و والدین یا قَیم آن‌ها، و عرضه‌کردن اقدامات امنیتی کافی برای محافظت از اطلاعات شخصی تحقق بخشید.

افزون بر آن، یکی از ملاحظات اخلاقی اصلی در این مقوله، محافظت از کودکان در برابر محتوای مضری است که احتمال دارد به صورت آنلاین با آن‌ها مواجه شوند (Uzun, 2018, p. 37). این مسئله را می‌توان با استفاده از روش‌های مختلف همچون اعمال محدودیت‌های سخت‌گیرانه و فیلترهای محتوا و همچنین آموزش‌دهی کودکان در خصوص خطرات احتمالی و نحوه ایمن‌سازی در دنیای آنلاین تحقق بخشید؛ به علاوه باید اطمینان یافت که از حریم خصوصی و ایمنی کودکان در فضاهای آنلاین صیانت می‌شود و اهتمام اساسی برای اجرای دستورالعمل‌های موجود به منظور کنترل رفتارهای اخلاقی در فضای مجازی در مواجهه با کودکان صورت می‌گیرد. گزارش‌های اخیر نشان می‌دهند باید کارهای بیشتری به منظور حصول اطمینان از مناسب بودن اینترنت برای کودکان انجام شود (Dowthwaite et al., 2020, p. 6). در این راستا، ملاحظات اخلاقی مربوط به حقوق مالکیت فکری محتوای تولیدشده از سوی کاربر در دنیای مجازی در مواجهه با کودکان باید مورد توجه باشد (Maloney, 2021, p. 4)؛ همچنین عرضه محتوای آموزشی متناسب با سن کودکان و مطابق با استانداردهای اخلاقی، بسیار مهم است. این رویکرد به ارتقای سواد دیجیتال و مهارت‌های تفکر انتقادی در کودکان نیاز دارد و سبب می‌شود آن‌ها بتوانند قابلیت اطمینان و اعتبار اطلاعات آنلاین را ارزیابی کنند. تضمین دسترسی به دیدگاه‌های متنوع و تشویق گفت‌وگو درباره موضوعات حساس، کودکان را به عنوان شهروندان دیجیتالی آگاه و مسئول در آینده پرورش می‌دهد.

۵. حفاظت از حریم خصوصی کودکان در فضای مجازی

اساساً برای حفاظت از حریم خصوصی کودکان در فضای مجازی نباید مرزهای وابسته به شخصیت آن‌ها را نادیده گرفت. کودکان باید آموزش ببینند که از به اشتراک گذاشتن اطلاعات شخصی‌شان بپرهیزند و در مواقع ضروری به والدین یا مربیان خود مراجعه کنند. در این راستا، مدیریت زمان استفاده کردن کودکان از فضای مجازی می‌تواند به والدین کمک کند تا تعادلی مناسب بین فعالیت‌های آن‌ها در این بستر و خارج از آن برقرار کنند. این مسئله، تعیین

زمان‌های مشخص برای استفاده کردن کودکان از فضای مجازی، تعامل فعال و همراهی با آنان در این فضا، و تعیین محدودیت‌هایی در استفاده از دستگاه‌های مجازی را شامل می‌شود. وقتی کودکان وارد دنیای مجازی می‌شوند، تعاملات اخلاقی‌شان نیز به صورت آنلاین درمی‌آید. این تعاملات، مواردی مانند رفتار توأم با احترام، مقابله با توهین و آزار، به‌اشتراک‌گذاری مطالب مفید و مناسب، و حمایت فکری و معنوی از دیگران در مواجهه با مشکلات را دربر می‌گیرد. به‌علت ناشناس بودن بسیاری از کاربران در فضای مجازی، ممکن است کودکان با افرادی تعامل و ارتباط یابند که اهداف شخصی خود را دنبال نمی‌کنند و احتمال دارد به آن‌ها آسیب برسانند. در این وضعیت، توانایی تشخیص دادن افرادی که اخلاقیات را رعایت می‌کنند و با دیگران تعامل احترام‌آمیز دارند، بسیار حساس و حائز اهمیت است.

درنهایت، رویکرد اخلاقی برای استفاده کردن کودکان از فضای مجازی باید شامل همکاری و مسئولیت‌پذیری همه ذی‌نفعان در این حوزه باشد. والدین، مربیان، پلتفرم‌ها و رسانه‌های اجتماعی، و سیاست‌گذاران، مسئولیتی مشترک برای اطمینان یافتن از آسایش و رفتار اخلاقی کودکان در فضای آنلاین دارند. آن‌ها با همکاری یکدیگر می‌توانند کانال‌های ارتباطی شفاف را ترویج دهند و استانداردهای صنعتی را ایجاد کنند؛ همچنین منابع آموزشی‌ای را توسعه دهند که ابعاد اخلاقی تجربیات دیجیتال کودکان را قوت می‌بخشند. سخن گفتن درباره ابعاد اخلاقی در مبحث استفاده کردن کودکان از فضای مجازی، مستلزم بررسی دقیق و تأمل متفکرانه است. از طریق تصدیق و ترکیب رویکردهای اخلاقی مختلف مانند استقلال، حریم خصوصی، دسترسی به اطلاعات، پیشگیری از بروز آسیب‌ها و مسئولیت مشترک می‌توانیم کودکان را برای حرکت کردن در فضای مجازی به صورت مسئولانه و اخلاقی توانمند کنیم. برقرار کردن تعادل بین استقلال کودکان با حمایت‌های لازم و ایجاد یک محیط دیجیتال مثبت به رشد سالم و رفاه آنان در عصر دیجیتال کمک می‌کند و بر این اساس می‌توان تعامل اخلاقی آن‌ها در فضای مجازی را طبق معیارهای زیر دسته‌بندی کرد:

الف) آموزش دادن احترام به دیگران: کودکان باید آموزش ببینند که چگونه با دیگران در

فضای مجازی به صورت احترام آمیز رفتار کنند و از توهین و آزار بپرهیزند.
(ب) آشنایی با خطرات آنلاین: کودکان باید آموزش ببینند که چه زمان‌هایی مراقب باشند و در مواجهه با خطرات ممکن در فضای مجازی، چهارچوبی خاص را رعایت کنند.
(ج) به اشتراک گذاری مطالب مفید: کودکان باید یاد بگیرند که تنها مطالب مفید و مناسب را در فضای مجازی به اشتراک بگذارند و از عملکردهای منفی و غیراخلاقی اجتناب کنند.
(د) تشویق به حمایت از دیگران: کودکان باید به تشویق افراد دیگر در مواجهه با مشکلات در فضای مجازی و برآوردن نیازهای آن‌ها عادت کنند.
(ه) آموزش دهی سواد رسانه‌ای: آموزش دادن نکات لازم درخصوص نحوه مواجهه با برخی مفاهیم غیراخلاقی و مضر به کودکان، از آنان در فضای مجازی به‌میزانی زیاد محافظت کند.

یافته‌های پژوهش

در پی گسترش استفاده از فضای مجازی، حقوق کودک (حق دسترسی به اطلاعات، حق امنیت اجتماعی، حق آموزش و...) با چالش‌های اساسی مواجه شده است. تحقق یافتن اهداف و مؤلفه‌های مربوط در کنوانسیون حقوق کودک در فضای مجازی، نیازمند توجهات ویژه به آموزش دادن سواد رسانه‌ای به کودکان است. فضای مجازی در کمک کردن به خانواده‌ها و والدین برای آموزش دهی و افزایش دادن آگاهی کودکان درخصوص مسائل روز در حوزه‌های مختلف، نقش اساسی دارد؛ اما نحوه تعامل معصومانۀ کودکان با این فضا چالش‌هایی مهم و برگشت‌ناپذیر را مطرح می‌کند؛ از این روی، لازم است آموزش سواد رسانه‌ای برای بهره‌گیری درست از تمام ابزارهای ارتباطی مبتنی بر اینترنت و فضای مجازی، مورد نظر خانواده‌ها و سیاست‌گذاران قرار گیرد تا از این رهگذر بتوان از حقوق کودک در این عرصه صیانت کرد. آموزش دهی این مقوله در مدارس و سنین پایین، یاریگر خانواده‌ها در کنترل نحوه استفاده کردن کودکان از فضای مجازی و دسترسی آنان به این بستر است و اشتیاق والدین برای تعامل کودک با فضای مجازی را افزایش می‌دهد. در این زمینه، بروز مسائل اخلاقی در بهره‌گیری کودکان از فضای مجازی به نگرانی‌های گسترده خانواده‌ها دامن زده است. حفاظت اخلاقی از کودکان

در این فضا نیازمند توجه به مرزهای وابسته به شخصیت آن‌هاست. در این راستا، کودکان باید آموزش ببینند که از به اشتراک گذاشتن اطلاعات شخصی‌شان با دیگران بپرهیزند و در صورت لزوم، از والدین یا مربیان‌شان کمک بگیرند؛ همچنین از طریق مدیریت کردن زمان استفاده کودکان از فضای مجازی می‌توان تعادلی مناسب بین فعالیت‌های آن‌ها در فضای مجازی و خارج از آن برقرار کرد. در مجموع، بهره‌گیری کودکان از فضای مجازی، درگیر دوگانه‌ای به نام «حقوق و اخلاق» است که راه‌حل آن، چیزی نیست جز آموزش، کنترل، نظارت و به‌ویژه آموزش‌دهی سواد رسانه‌ای به کودکان.

در نتیجه، دسترسی کودکان به فضای مجازی و بهره‌مندی از آن، موضوعی چندوجهی است که توجه دقیق به دوگانه «حقوق و اخلاق»، ایجاد تعادل بین آزادی دسترسی به اینترنت و کاهش در آن، و ضرورت محافظت از کودکان در برابر آسیب‌های تهدیدکننده رشد و ایمنی‌شان را می‌طلبد. والدین و مربیان از طریق آموزش دادن رفتارهای اخلاقی آنلاین به کودکان، غنابخشیدن دانش و مهارت‌های خویش برای هدایت مسئولانه در دنیای دیجیتال، و همکاری با یکدیگر برای ایجاد یک محیط حمایت‌کننده و پرورشی می‌توانند به کودکان کمک کنند تا از تجربیات آنلاین خود به بهترین نحو استفاده کنند. در نهایت، ترویج دوگانه «حقوق و اخلاق» کودکان در فضای مجازی برای پرورش دادن نسلی از شهروندان دیجیتالی مسئولیت‌پذیر و اخلاق‌مدار اهمیت فراوان دارد.

منابع

حسینی پاکدهی، علیرضا؛ و شبیری، حسنیہ السادات (۱۳۹۶). آموزش سواد رسانه‌ای در فضای مجازی: مقایسه وبسایت مدیا اسمارتس کانادا و وبسایت سواد رسانه‌ای ایران. *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، ۳(۹)، ۳۱-۷۶.

صفاری‌نیا، مهزاد (۱۴۰۱). حق دسترسی کودکان به فضای مجازی از منظر حقوق داخلی و بین‌الملل با تأکید بر نظریه تفسیری شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک. *مجله حقوق فناوری نوین*، ۳(۵)، ۱۸۳-۱۹۶.

Doi 10.22133/mtlj.2022.348900.1110

عابدی، حامد؛ و ساعی، محمدحسین (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی اسناد، قوانین و مقررات مرتبط با حضور کودک در فضای مجازی در ایران، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباطات و رسانه، ۵(۱۸)، ۹۱-۱۳۴.

عباسی کلیمانی، عاطفه؛ و اکبری، اسما (۱۴۰۰). رویکردی بر حق تعلم کودک توسط والدین در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی. دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده، ۲۶(۷۴)، ۲۲۹-۲۴۹.

doi: 10.30497/flj.2018.71216

غنی‌زاده بافقی، مریم؛ و حسین‌زاده سرشکی، اسماء (۱۴۰۲). جستاری بر پدیده هرزه‌نگاری و اغفال سایبری کودکان در پرتو آموزه‌های فقه و حقوق ایران. دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده، ۲۸(۷۸)، ۱۹۷-۲۲۸.

Doi: 10.30497/flj.2022.242989.1793

مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶). قانون برنامه ششم توسعه.

نصیری، بهاره؛ بخشی، بهاره؛ و هاشمی، سید محمود (۱۳۹۱). اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای در قرن بیست‌ویکم. مجله مطالعات رسانه‌ای، ۷(۱۸)، ۱۴۹-۱۵۸.

Dowthwaite, L. et al. (2020). It's Your Private Information. It's Your Life: Young People's Views of Personal Data Use by Online Technologies. *Interaction Design and Children Conference*. <https://doi.org/10.1145/3392063.3394410>.

Drenten, J. (2018). When Kids Are the Last to Know: Embodied Tensions in Surprising Children with Family Vacations. *Young Consumers*, Vol. 19(2), 199-217.

European Commission (2021). *New EU Strategy to Protect and Empower Children in the Online World*.

Jusoff, K.; and Sahimi, N. N. (2009). Television and Media Literacy in Young Children: Issues and Effects in Early Childhood. *International Education Studies*, Vol. 2(3), 151-157.

Lasswell, H. D. (1948). The Structure and Function of Communication in Society. In: L. Bryson (Ed.). *The Communication of Ideas*. New York: Harper and Row.

Livingstone, S. (2021). *Realizing Children's Rights in Relation to the Digital Environment*. The British Academy.

Livingstone, S.; Carr, J.; and Byrne, J. (2016). One in Three: Internet Governance and Children's Rights. Innocent Discussion Paper No. 2016-01, UNICEF Office of Research, Florence.

Malik, S. (2008). *Media Literacy and It's Importance*. Islamabad: Society for Alternative Media and Research.

Maloney, D.; Freeman, G.; and Robb, A. (2021). Social Virtual Reality: Ethical Considerations and Future Directions for an Emerging Research Space. *Human-Computer Interaction* (cs.HC). <https://doi.org/10.48550/arXiv.2104.05030>.

- Marsh, J. (2011). Young Children's Literacy Practices in a Virtual World: Establishing an Online Interaction Order. *Reading Research Quarterly*, 46(2), 101-118.
- Misztal, B. A. (2001). Normality and Trust in Goffman's Theory of Interaction Order. *Sociological Theory*, 19(3), 312-324.
- Monika, F.; and Wioletta, H. (2017). *Media Literacy of a Child at an Early School Age from the Perspective of Teachers, Parents and Persons Preparing to Become Educators*. Prague: Center of Higher Education Studies.
- Moyer, W. M. (2022). Kids as Young as Are Using Social Media More than Ever. <https://www.nytimes.com/2022/03/24/well/family/child-social-media-use.html>.
- Sahoo, A. (2016). Children's Rights in the Cyberspace. *International Journal of Research and Analysis*, Vol. 4(2), 131-160.
- Shukla, M.; Waghmode, M.; and Bhosale, Y. (2024). The Digital Generation: An Analysis of the Seminal Impact of Internet Usage on Children. *Journal of Engineering Education Transformations*, Vol. 37(2), 197-206.
- Tornero, J. M. P. (2020). *Media Literacy and New Humanism*. UNESCO Institute for Information Technologies in Education.
- UNESCO (1999). Educating for the Media and the Digital Age. *Viena Conference*. [Http://www.nordicom.gu.se/clearinghouse.php?portal=linkdb&main=reconedu.php&](http://www.nordicom.gu.se/clearinghouse.php?portal=linkdb&main=reconedu.php&)
- UNICEF (2016). Children's Rights in a Digital World. *UNICEF-ESSAY COLLECTION*. Netherlands: UNICEF the Netherlands.
- UNICEF (2019). *Digital Literacy for Children: Exploring Definitions and Frameworks*. Office of Global Insight and Policy.
- UZUN, R. (2018). *Protecting Children from Harmful Content in New Media: An Ethical Approaches*. IAMCR, Leicester/UK.
- Yanarates, E. (2020). Media Literacy: A Conceptual Analysis. *Social Scientific Centered Issues*, 2(2), 89-102.